

## بررسی گسترش احکام جزایی افراد حقوقی و سیاسی از منظر قوانین اسلامی (ابعاد و رویکردها)

سینا نورالدینی<sup>۱</sup>، سعید جهانگیری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.  
<sup>۲</sup> دکتری، علوم سیاسی، مسائل ایران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

سینا نورالدینی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۱

### چکیده

نوشتار حاضر، با تمرکز بر اصول قانون اساسی و مواد مختلف قوانین کیفری، تلاش گردیده ضمن مشخص نمودن اهمیت این اصل، ابعاد گوناگون و ضمانت اجراهای نقض آن مورد بررسی قرار گیرد. اما پدیدار شدن اعمال مجرمانه ی برجسته، نظیر بزه های اقتصادی و فسادهای سازمان یافته سبب گردید قانونگذار تردید را رها نموده و از عقاید ابرازی مختلف در این خصوص فاصله گرفته و اقدام به تصویب موادی در راستای عام نمودن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نماید. بدین ترتیب قضاوت و مراجع قضایی را نیز از سردرگمی در مواجهه با بزه های ارتكابی توسط اشخاص حقوقی رهایی بخشد. جرایم قابل انتساب به اشخاص حقوقی برخلاف اشخاص حقیقی که تنها به موجب قانون محدود می گردند، علاوه بر سازگاری با ماهیت اشخاص حقوقی براساس ماده ۱۴۳ شناسایی می گردند. سؤال این است که چرا با وجود چالشهای مذکور قانونگذار ایران مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پذیرفته است؟ قطعاً او تحت تأثیر مبانی مختلفی به این سیاست روی آورده است. این مبانی هرچه که باشد آنقدر اهمیت داشته است که وی را نسبت به مقوله مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی متقاعد نموده است. در این راستا قدم اول در وصول به هدف آن است که از زاویه دید حقوق عمومی، مبانی احترام حریم خصوصی در حمایت از افراد و نیز استثنائات وارد بر آن در حمایت از حکومت به نمایندگی جامعه، مشخص و معلوم گردد؛ لذا منابع اسلامی به عنوان زیربنای اصلی نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس آن، مبانی حمایت از حریم خصوصی را می توان این گونه در پنج اصل احصاء کرد: پاسداری کرامت انسانی؛ احترام به حریم و حرمت مؤمن؛ حرمت اذیت و آزار دیگران خصوصاً مومنین؛ امانت داری و رازداری؛ منع اشاعه فحشاء در جامعه و حفظ سلامت اخلاقی.

**واژگان کلیدی:** احکام جزایی، مسئولیت جزایی، اشخاص حقوقی، قوانین اسلامی.

## مقدمه و بیان مساله

تخصّصی کردن شاخه های مسئولیت، نگرش نوینی در علم حقوق به شمار می رود. اساساً هدف اصلی در تحمیل انواع مسئولیت ها، جبران زیان متضرر اعم از فرد یا جامعه است و شاخه های تخصّصی مسئولیت، امکان این جبران را به بهترین شکل فراهم می آورد. مدرنیزاسیون و توسعه شهرنشینی و افزایش استفاده از وسایل نقلیه، باعث افزایش تخلفات و در نتیجه تصادفات رانندگی شده است. مسئولیت اجتماعی است. این نوع از مسئولیت در اثر نقض تعهدات اجتماعی پدید می آید و با سایر انواع دیگر مسئولیت از جهات گوناگون متفاوت می باشد. جایگاه این شاخه از مسئولیت و ارتباط آن با شاخه های سنتی مسئولیت، خصوصاً مسئولیت کیفری و نقاط اشتراک و افتراق و معیارهای تفکیک آن دو از نکات بسیار مهم و جدید است که موضوع این مقاله را تشکیل می دهد یافته های جرمشناسی نیز موید تابعیت بزهکاری از توسعه و گسترش در برخی زمینه هاست. تصادفات و حوادث ترافیکی به بحرانی برای توسعه اجتماعی و سلامت عمومی جوامع تبدیل شده است و پیشبینی میشود که در صورت عدم توجه اعضای جامعه جهانی، این حوادث بیش از پیش افزایش یابد. در شرایط کنونی، کشور ما بالاترین نرخ مرگومیرهای ناشی از حوادث رانندگی را در دنیا تجربه می کند. تخلفات رانندگی، اصلیتین عامل تصادفات است. همین تصادفات رانندگی، مهمترین عامل مرگ و میر و صدمات شدید جانی و مالی بوده و آثار و تبعات سنگین اجتماعی، حقوقی و اقتصادی آن بر پیکره ای اجتماع وارد میشود. همچنین تجزیه و تحلیل آمار تصادفات در ایران نشان میدهد که دومین عامل مرگ و میر در ایران همین تصادفات با منشأ تخلفات ترافیکی است که سالانه باعث از بین رفتن حدود ۶ درصد تولید ناخالص ملی شده و روز به روز بر ضررهای آن افزوده میشود. همیشه بهترین راه مبارزه با یک معضل اجتماعی پیشگیری از ظهور و بروز آن است. ضرورت دارد که راههای پیشگیری از تخلفات راهنمایی و رانندگی بیشتر بررسی شده در عمل بکار گرفته شود.

در سطح ملی، حوادث رانندگی، پس از بیماری های قلبی، دومین عامل مهم مرگ و میر در کشور محسوب می شود. افزایش قابل توجه نرخ مالکیت اتومبیل شخصی طی سال های اخیر از یک طرف و آهنگ نامتناسب توسعه ی شبکه های ارتباطی از طرف دیگر، سبب ازدحام و شلوغی بیشتر شهرها شده است. یکی از عواقب این ازدحام و شلوغی، افزایش حوادث ترافیکی و خسارت های جانی و مالی ناشی از آن است. یکی از راه های پیشگیری از بروز جرم استفاده از ابزار سیاست کیفری است. تصویب قوانین راهنمایی و رانندگی با پیشبینی انواع تخلفات رانندگی و تعیین مجازات برای متخلفان را می توان گامی در جهت سیاست کیفری پیشگیری از جرم تلقی کرد. در واقع قانونگذار با پیش بینی تخلفات رانندگی در جهت بازدارندگی فردی و عمومی این دسته از جرایم و تخلفات گام بر میدارد.

علم جرمشناسی طی سالیان طولانی علمی خود به دستاوردهای ارزشمندی در زمینه پیشگیری از جرم دست یافته است و از جهات مختلف توانسته است شیوه های پیشگیری از جرم را دسته بندی و سامان ببخشد، دسته بندی هایی همچون: پیشگیری کیفری و غیر کیفری، پیشگیری اجتماعی و وضعی، پیشگیری فعال و انفعالی، پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث، پیشگیری عمومی و اختصاصی، پیشگیری اطفال و بزرگسالان و... هدف از انجام این پژوهش بررسی شیوه های مؤثر پیشگیری از جرم در محیط جرایم (تخلفات) راهنمایی و رانندگی بوده که در پی رسیدن به پاسخی برای سؤالی که کدام یک از انواع پیشگیری از جرایم در حیطه تخلفات (جرایم) راهنمایی و رانندگی میتواند مثرتر بوده و مورد توجه قرار گیرد؟ (بوسفیان شوره دلی ۱۳۹۰: ۱۵۲).

مسئولیت کیفری شخص حقوقی یکی از مباحثی است که پایه های خود را در بسیاری از نظام های حقوقی استوار کرده است. موافقان و مخالفان این مسئولیت، برای شناسایی یا نفی آن، به دلایلی استناد می کنند. و اما نظام کیفری کشور ما تا قبل از تصویب قانون جرائم رایانه ای به معنای اخص و قانون مجازات اسلامی ۹۲ به معنای اعم، هیچ گاه به صراحت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پیش بینی نکرده بود. پیش بینی مجازات های اشخاص حقوقی یکی از بارزترین دستاوردهای قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می باشد. بعد از قانون جرایم رایانه ای، این قانون دومین قانونی است که به پیش بینی مجازات اشخاص حقوقی پرداخته است.

براساس مقررات قوانین سابق عده ای معتقد بودند که «در موارد سکوت مقررات قانونی می توان گفت: «تنها اشخاص طبیعی که نماینده اشخاص حقوقی بوده و به نام آنها فعالیت می کنند (رئیس، مدیر، مدیرعامل، نماینده، مأمور و مستخدم)

ممکن است مرتکب جرم شده و مسئولیت جزایی شخصی آنان مطرح شود، ولی خود شخص حقوقی نه می‌تواند مجرم شناخته شود و نه قابلیت تحمل کیفر را دارد» لیکن با تصویب قانون حاضر، صراحتاً اشخاص حقوقی نیز واجد مسئولیت شناخته شده‌اند.

البته طبق صراحت ماده ۲۰ قانون جدید اعمال مجازات برای اشخاص حقوقی مانع از مجازات شخص حقیقی نیست موضوع پژوهش حاضر، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی است. مفهوم شخصیت حقوقی ملهم از حقوق غرب است و در حقوق اسلامی محل بحث نبوده و مورد توجه فقها قرار نگرفته است؛ اگرچه به صورت عملی در قالب نهادی مانند وقف، این مفهوم پذیرفته شده است. در تعریف شخص حقوقی گفته شده است، اجتماع سازمان یافته از اشخاص یا اموال برای دستیابی به هدف مشترک در قالب قانونی است (امامی و استوارسنگری ۱۳۹۰: ۴۷).

در کشور ما تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اگرچه به صورت پراکنده در بعضی قوانین ضمانت اجرایی برای اعمال متخلفانه اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده بود، لکن مسئولیت کیفری ۱۳۸۸، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تنها در مورد این جرایم پذیرفته شده بود. با تصویب قانون مجازات ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در مورد جرایمی که با توجه به قوانین ما قابلیت ارتکاب توسط اشخاص حقوقی را داشتند، به صورت جامع مورد پذیرش قانون گذار قرار گرفت.

در این پژوهش بر آنیم با توجه به مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ضوابط عام لازم برای مسئولیت کیفری کلیه اشخاص حقوقی و ضوابط خاص مسئولیت کیفری هر دسته از اشخاص حقوقی را مورد بررسی قرار دهیم.

## مبانی نظری

### مفهوم جرم

نگرش های ضد و نقیضی درباره جرم وجود دارد. این نیز بدان سبب است که جرم همواره از تعریفی اجتماعی برخوردار بوده است. البته این ویژگی، می‌تواند مناقشاتی را نیز در پی داشته باشد؛ از جمله آنکه آیا همواره باید قانون، جرم را تعریف کند؟ یا اینکه میتوان و یا باید جرم را بر تکیه بر مفاهیمی اخلاقی و اجتماعی مانند زیان اجتماعی تعریف نمود در اینجا توجه به فیلم فهرست شیندلر می‌تواند نمایی از مشکلات موجود در خصوص تعریفهای جرم را به دست دهد. در این فیلم شیندلر، قوانین رژیم نازی را برای یاری رساندن به یهودیان، زیر پا می‌گذارد. اما سوال اینجاست که آیا او واقعاً مجرم است؟ البته این پرسش، پرسش های دیگری را نیز در پی خود دارد، پرسشهای از قبیل که: چه کسی قانون را تعیین میکند؟ در مورد نمونه‌هایی مشابه آن در زندگی روزمره، چه میتوان گفت؟ سبب این امر هم آن است که نظامهای غیرعادلانه در جهان وجود دارد و به همین شکل، این احتمال نیز بسیار جدی است که بسیاری از تعاریف قانونی جرم، میتواند بر اموری کاملاً خدشه پذیر و غیرعادلانه یا غیرمنصفانه استوار باشد (wells ۲۰۰۱: ۱۶-۱۷) در این خصوص، جرایم ناشی از تخلفات رانندگی به جرایمی می‌پردازد که در اثر تخلف از مقررات مربوط به رانندگی حادث میشود. لازم به ذکر است که جرم مذکور در این جرایم ناشی از تقصیر مرتکب است که بر اثر تخلف از مقررات حاصل شده است. لذا هر چند ماهیت جرم ارتكابی از موارد خطای محض نیز باشد، به سبب وجود تقصیر، از جرایم شبه عمد محسوب شده و مجازات آن را دارد. غالب موارد این قبیل جرایم، معمولاً تحت مباحث جرایم علیه اشخاص در منابع حقوقی مورد بحث قرار گرفته است. فصل ۲۹ قانون مجازات اسلامی جرایمی را تحت عنوان «جرایم ناشی از تخلفات رانندگی» جرمانگاری نموده است. مواد ۷۱۴ تا ۷۲۵ از این فصل پیرامون این جرایم می‌باشد. جرایم ناشی از رانندگی، هم واجد جنبه خصوصی، و هم واجد جنبه عمومی میباشد. در اینگونه جرایم صرفنظر از شکایت خصوصی تعقیب قضیه بر عهده رئیس حوزه قضایی است. بنابراین چنانچه مصدوم احتیاج به کمک داشته و در بیمارستان در اغماء فرو رود و قادر به ادای توضیح یا طرح شکایت نباشد این وضعیت مانع از تعقیب امر توسط رئیس حوزه قضایی نخواهد بود دعوی مطالبه دیه پس از روشن شدن وضعیت مصدوم نیز قابل پذیرش و رسیدگی است. (عبداللهی ۱۳۸۹: ۱۴۷).

جرایم ناشی از تخلفات رانندگی را به لحاظ درجه اهمیت، میتوان به دو بخش عمده زیر تقسیم نمود:

## جنایات ناشی از تخلفات رانندگی

عنصر قانونی: قانونگذار در مواد ۷۱۴ تا ۷۱۷ از قانون مجازات اسلامی به جنایات ناشی از تخلفات رانندگی می‌پردازد. هر چند قانونگذار در مواد فوق منحصرأً به شرح قتل و سایر صدمات غیرعمدی ناشی از تخلفات رانندگی پرداخته است، ولی بدان معنا نیست که ارتکاب سایر جنایات (عمد، شبیه عمد و خطای محض) از طریق تخلفات رانندگی منتفی است. در حقیقت، اختصاص مواد مذکور به جنایات غیر عمدی بدین سبب است که، اکثر قریب به اتفاق جرایم ناشی از تخلفات رانندگی به صورت غیرعمدی واقع می‌شود. جرایم مذکور در مواد مذکور همگی از نوع جنایات غیر عمدی هستند که از قتل آغاز، و به صدمات بدنی خفیف خاتمه می‌یابد. ارکان مادی و معنوی همه جنایتهای مذکور یکسانند و تفاوت آنها در نتایج مجرمانه و مجازات های مقرر است (برای مطالعه بیشتر ر.ک Moore ۱۹۸۵: ۲۳).

عنصر مادی: «رانندگی یا تصدی وسیله موتوری به گونه ای که به یکی از صدمات مذکور در قانون منتهی شود»، عنصر مادی جرایم مورد بحث است. بدین ترتیب عمل فیزیکی در این جرایم عبارتست از رانندگی یا تصدی و مهمترین شرط لازم برای تحقق این جرم، وسیله موتوری محسوب شدن آن چه رانده یا هدایت میشود و نتیجه لازم برای وقوع جرم، بروز یکی از صدمات مذکور در قانون است. لذا چنان چه صدمات حاصله قتل باشد، مجازات مذکور در ماده ۷۱۴ اجرا خواهد شد. هرگاه صدمه حاصله مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد، و یا موجب از بین رفتن یکی از حواس یا از کار افتادن عضوی از اعضای بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام میدهد شود یا سبب تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنین گردد؛ مرتکب به موجب ماده ۷۱۵ ق.م.ا. مجازات خواهد شد. در صورتی که عمل راننده یا متصدی موجب بروز صدمات خفیفتر، یعنی نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آن که از کار بیفتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود؛ طبق ماده ۷۱۶ این قانون مجازات خواهد شد. در نهایت، هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود، مرتکب به موجب ماده ۷۱۷ ق.م.ا. مجازات خواهد شد. بنابراین جرایم ناشی از رانندگی جز جرایم مقید است چرا که حصول نتیجه مجرمانه مقید به سلب حیات یا وارد شدن صدمه شده است.

## انواع پیشگیری

### پیشگیری کیفی

اولین واکنش که در جوامع بشری در برخورد با پدیده بزهکاری بدان دست زدهاند مبارزه سرکوبگرانه بود که مدتها به عنوان تنها روش مبارزه علیه جرم تلقی میشد. پیشگیری کیفی در جرم شناسی، حول محوریت فرد قرار دارد و از منظر تأدیبی و اخلاقی با پدیده جرم برخورد میکند. به جای دغدغه خاطر و نگرانی در مورد حمایت از حقوق بشر، مبارزه با پدیده تروریسم و جرایم سازمان یافته و بزهکاری به هر وسیله ممکن مورد توجه قرار گرفته است. مدافعین این تفکر در کشورهای قدرتمند سعی در جهانی نمودن این نگاه و ترویج خشونت دفاعی در مقابل جرم قطع نظر از علل و ریشههای آن دادند (Jefferson ۲۰۰۱: ۲۰۳)

این پیشگیری بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزهکار می‌گذارد، به دو گونه «پیشگیری واکنشی عام» و «پیشگیری واکنشی خاص» تقسیم می‌شود.

الف. پیشگیری واکنشی عام: پیشگیری واکنشی عام یک پیشگیری واکنشی جمع‌مدار یا گروه‌مدار است که با مخاطب قرار دادن شهروندان از طریق رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی جمعی، به دنبال پیشگیری از بزهکاری نخستین افراد است. در پیشگیری عام، اقدام علیه عوامل عمومی بزهکاری مورد توجه است. بدیهی است در این نوع پیشگیری، نهادهای مردمی و خود مردم از جمله خانواده، مدرسه و ... نقش عمده ای دارند (میرزایی مطلق، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

ب. پیشگیری واکنشی خاص: یک پیشگیری واکنشی مجرم‌مدار است که با اعمال کیفر بر فرد بزهکار و با رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی فردی، درصدد پیشگیری از بزهکاری دوباره افراد است (یوسفیان شوره‌دلی ۱۳۹۰: ۳۸۷).

در این نوع پیشگیری سعی میشود با تحمیل مجازات بر مجرم و تنبیه او و رنج و سختی حاصل از مجازات، از ارتکاب مجدد همان جرم یا جرایم دیگر، اجتناب گردد. بنابراین جلوگیری از تکرار جرم و ترس در کسانی که قبلاً مرتکب جرم شده‌اند مهمترین هدف در پیشگیری خاص میباشد (Beale & Safwat ۲۰۰۵: ۱۱۳).

در مجموع اهدافی که از اعمال پیشگیری کیفری مدنظر است، به شرح ذیل میباشد:  
الف) اصلاح بزهکار از طریق تعلیم و تربیت جسمی، فکری و روانی با به کار گرفتن تعلیق مجازات، اعمال مجازات، سالب آزادی و نگهداری بزهکار در محیط‌های نیمه باز، باز و آزادی مشروط.  
ب) حمایت جامعه از دو طریق:

۱. تعلیم و تربیت بزهکار برای زندگی مجدد در جامعه، ضمن اعمال مجازات‌های سالب آزادی و اقدامات تأمینی و تربیتی.
۲. طرد بزهکار از زندگی در اجتماع، ضمن اعمال مجازات‌های حبس دائم، حبس‌های طولی‌المدت و تبعید.
- ج) ارباب بزهکار (پیشگیری فردی): ضمن اعمال کیفرهایی از قبیل جزای نقدی و مجازات‌های سالب آزادی.
- د) ارباب دیگران (پیشگیری عمومی): با اعمال مجازات‌های طردکننده از اجتماع نسبت به بزهکار از قبیل کیفرهایی چون حبس دائم و تبعید و... (قنوتی خلف‌آبادی ۱۳۸۰: ۴۲).

### پیشگیری غیرکیفری

پیشگیری غیرکیفری عبارت است از جلوگیری از به فعل درآوردن اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع احوال خاصی است که یک سلسله جرائم مشابه در آن شرایط به وقوع پیوسته و یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد. به عبارت دیگر پیشگیری غیرکیفری درصدد است علل و عوامل و ریشه‌های زمینه ساز بروز جرایم و بزهکاری را از طریق توجه به مسئله کنترل اجتماعی و تأثیر بر افکار مجرمانه از بین ببرد به طوری که انسانهایی پرورش یابند که از مجرمیت به دور باشند. در این نوع پیشگیری توجه به عوامل محیطی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... که باعث سوق دادن فرد به سوی بزهکاری میشوند، دارای اهمیت فراوان است (Beale ۲۰۰۹: ۱۶-۱۹) پیشگیری غیرکیفری به دو گونه وضعی و اجتماعی تقسیم می‌شود.

### پیشگیری وضعی

نخستین تعریف پیشگیری وضعی، توسط کلارک صورت گرفته است. در این تعریف، پیشگیری وضعی عبارت است از: «اقدامات معطوف به اشکال بسیار خاص جرم که متضمن مدیریت، طراحی یا دست کاری محیط بطور مستقیم، نظام‌مند و دائمی به منظور کاستن از فرصت‌های جرم است. به طوری که توسط اکثریت مجرمان ادراک و فهم شود (Jefferson ۲۰۰۱: ۲۳۲)»

این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرم، اهداف و موضوعات جرم و خصوصیات بزه دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرایند آنها موجب از بین رفتن و یا تضعیف موقعیتها و فرصتهای ارتکاب جرم خواهد شد. کاهش فرصتها و موقعیت‌های ارتکاب جرم با توسعه امنیت فیزیکی یا طراحی ساختمان و محله‌ها که در نهایت موجب خطرناک و پرهزینه‌تر شدن اعمال مجرمانه میشود همراه است ((Tarelli ۲۰۰۴: ۳-۵)). پیشگیری وضعی شامل: از بین بردن کامل برخی از خطرات، کاهش بعضی از خطرات با کاستن از دامنه خسارت وارده، تقلیل برخی از خطرات به وسیله انجام اقدامات امنیتی مانند: نصب دوربین‌های مدار بسته یا افزایش تعداد افراد پلیس برای ترساندن و بازداشتن از ارتکاب جرم، انتقال برخی از خطرات به کمک وسایلی مثل: تسهیل بیمه و نظایر آن و پذیرفتن برخی از خطرات که اجتناب ناپذیر بوده و یا رفع آنها هزینه‌های غیر قابل تحملی را تحمیل می‌کند، می‌باشد. این نوع پیشگیری با توجه به شرایط بزهکار، نوع جرم، اهداف و موضوعهای جرم و خصوصیات بزه‌دیده، اقداماتی را به اجرا می‌گذارد که فرایند آنها موجب از بین رفتن و یا تضعیف موقعیتها و فرصت‌های ارتکاب جرم خواهد شد. در این روش از پیشگیری، مدیریت پیشگیری از جرم با تغییر و اصلاح روش زندگی افراد و محیط سکونت آنها، به دنبال خنثی‌سازی عملیات مجرمانه است که در واقع این قبیل اقدامات مکمل کار پلیسی به شمار می‌آید.

بنابراین پیشبینی، شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن را پیشگیری وضعی می‌گویند؛ که گاهی از آن تحت عنوان «مدیریت کردن خطر جرم» نیز نام می‌برند (کلارکسون ۱۳۹۰: ۲۳۲).

لکن در سال‌های اخیر، نظریه مسئولیت کارفرما هم مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که قوانین تازه‌ای وضع شدند که فقدان نظارت و پیشگیری کافی از صدمات جانی را موجب مسئولیت شخص حقوقی می‌دانند، به علاوه بر اساس نظریه مسئولیت ناشی از عمل دیگری، هر یک از کارکنان شخص حقوقی در هر درجه‌ای که باشند اگر مرتکب بعضی جرایم مادی صرف شوند، مسئولیت شخص حقوقی را به دنبال می‌آورند.

در ایالات متحده آمریکا، مسئله متفاوت است؛ بدین ترتیب که طبق حقوق فدرال، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در تمامی موارد بر اساس نظریه مسئولیت کارفرما است. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به شدت گسترش یافته است و در موارد زیادی عمل مجرمانه تمامی کارکنان و مقامات اشخاص حقوقی (هرچند در رده‌های پایین سازمان قرار داشته باشند) به شرط این که واقعاً یا ظاهراً در مقام انجام وظیفه برای شخص حقوقی و حداقل تا حدی به قصد تأمین منافع آن ارتکاب یابد، حتی اگر با سیاست کلی شخص حقوقی مغایرت داشته باشد، به نام شخص حقوقی گذاشته می‌شود و مسئولیت کیفری آن را به دنبال دارد. (روح‌الامینی ۱۳۸۷: ۱۴۵)؛ در ایالات متحده حتی اگر مدیران شخص حقوقی تدابیر لازم و متعارف برای پیشگیری از جرم را اتخاذ کرده باشند، از مسئولیت کیفری معاف نمی‌شوند این گونه افراط در توسعه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی عواقب سوئی دارد؛ بدین نحو که چون اشخاص حقوقی هیچ گونه راه دفاعی در برابر اتهامات ندارند، مجبورند در برابر دادستانی حتی اتهامات بی‌اساس را هم پذیرفته و اقرار به ارتکاب جرم کنند و این موجب دلسردی آن‌ها برای ادامه فعالیت شده و به مرور رونق تولید را از بین می‌برد. (قنواتی خلف‌آبادی ۱۳۸۰: ۲۲).

یک سؤال ممکن است مطرح شود که در فرض سقوط مجازات حد شخص حقیقی مرتکب جرم، آیا باز هم نمی‌توان شخص حقوقی را به دلیل ارتکاب جرم حدی محکوم کرد؟ به نظر می‌رسد اگر وارد مصادیق ساقط کننده‌های مجازات حد شویم، پس از سقوط مجازات شخص حقیقی، مجازات دیگری بر او بار نمی‌شود و از مجازات رها می‌شود و مصادیقی وجود ندارد که پس از سقوط مجازات حد، مجازات تعزیری بر او بار شود تا بدین نتیجه برسیم که اگر شخص حقوقی مرتکب جرم باشد، باید به مانند دیگر جرایم، شخص را به مجازات‌های ماده ۲۰ محکوم کرد. به عنوان مثال یکی از موارد سقوط حد، در صورت توبه هست که ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی و تبصره‌های آن مربوط به این مورد است. مشخص است که با توبه با وجود شرایط مقرر در ماده، مجازات به کلی ساقط می‌شود؛ بنابراین دلیلی وجود ندارد که بتوانیم شخص حقوقی را به مجازات محکوم کنیم. تنها یک مورد در تبصره ۲ ماده ۱۱۴ هست که با سقوط مجازات حدی، مجازات تعزیری بر شخص تحمیل می‌شود. در مورد این تبصره اگر شخص حقیقی مرتکب جرم زنا و لواط با شرایط مقرر در تبصره، توبه کند و مجازات او از حدی به تعزیری تقلیل یابد، محتمل است که بتوان شخص حقوقی را هم محکوم کرد و مجازات‌های ماده ۲۰ را بر او تحمیل کرد. هرچند از جهت دیگر هم می‌توان استدلال نمود که صرف نظر از نوع مجازات، چنین جرایمی با توجه به ماهیت فردمدارانه‌شان قابل انتساب به شخص حقوقی نیستند.

ممکن است گفته شود که اگر به عنوان مثال یک شرکتی برای انجام عمل غیرقانونی همچون قوادی تشکیل گردد و در این زمینه فعالیت نماید، چرا نباید و نتوان شرکت را به ارتکاب همین جرم به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۲۰ محکوم نمود، مثلاً آن را منحل کرد؟ ضمن این که قانون‌گذار هم جرایم حدی را از شمول این مجازات‌ها خارج نکرده است. لکن پیرو دیدگاه اول و در پاسخ به این دلایل می‌توان گفت که همان طور که در تبصره ماده ۱۴ آمده است، مجازات‌های مذکور در ماده ۲۰ از نوع مجازات‌های تعزیری می‌باشند و طبیعی است که مجازات تعزیری برای جرم تعزیری و نه جرایم مستوجب حد به کار می‌رود. در صدر ماده ۲۰ هم مقرر شده است که قاضی با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن، مرتکب را به یکی از این مجازات‌ها محکوم می‌نماید. از طرفی می‌دانیم که جرایم حدی در قانون مجازات ما تابع نظام خاصی است که کمترین انعطاف‌پذیری را دارد؛ به عنوان مثال مجرمین این جرایم تنها باید به مجازات‌های مقرر قانونی و فقهی محکوم گردند و نمی‌توان مجازات دیگری همچون موارد مذکور در ماده ۲۰ را بر آن‌ها اعمال کرد. ضمن این که در تعیین مجازات این جرایم، شدت جرم ارتكابی و میزان نتایج زیان‌بار حاصله و اموری از این قبیل هیچ تأثیری ندارد؛ بنابراین امکان محکوم نمودن اشخاص حقوقی به این جرایم، در



نظام حقوق کیفری ایران وجود ندارد. طبیعی است که در چنین موردی دادگاه، اشخاص حقیقی مرتکب جرایم حدی را به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌نماید و شخص حقوقی دخیل در جرم را هم می‌تواند به‌موجب ماده ۲۳ و به‌عنوان مجازات تکمیلی برای شخص حقیقی، توقیف نموده و یا به‌موجب ماده ۲۱۵ و به‌عنوان وسیله ارتکاب جرم ضبط نماید. البته با توجه به تعزیری بودن مجازات معاونت؛ اشخاص حقوقی می‌توانند به معاونت در این جرایم محکوم گشته و یکی از مجازات‌های مندرج در ماده ۲۰ را تحمل نمایند.

حال پرسش قابل طرح این‌که آیا جنایات عمدی را می‌توان به شخص حقوقی منتسب نمود؟ می‌دانیم که تصور ارتکاب جنایت عمدی از طرف شخص حقوقی اگرچه سخت، ولی ممکن می‌نماید؛ بدین ترتیب که نماینده قانونی شخص حقوقی در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جنایت عمدی نسبت به کسی شود یا حتی این‌که اساساً شخص حقوقی با این هدف تشکیل شده باشد. از طرفی در مورد این جرایم مشکل پیش‌گفته در مورد جرایم مستوجب حد وجود ندارد. در جرایم مستوجب حد، مجازات‌ها مشخص است و امکان تحمیل مجازاتی بر شخص حقوقی به‌جز مجازات‌های حدی مذکور در قانون وجود ندارد و در نام غیر منعطف این جرایم، کیفیت یا مشخصه‌ای مرتبط با شخص مجرم یا نحوه ارتکاب جرم در نوع یا میزان مجازات، تأثیرگذار نیست. لکن در مورد جنایات عمدی مواردی وجود دارد که امکان اجرای قصاص علیه مرتکب را از بین می‌برد. در این موارد مطابق مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، مرتکب جنایت عمدی به‌جای قصاص به حبس تعزیری محکوم می‌گردد؛ بنابراین اگرچه قصاص مجازات اولیه و اصلی در برابر جنایات عمدی است، لکن تنها مجازات قابل‌اعمال در برابر این جرایم نیست. بدیهی است هنگام تعیین مجازات تعزیری برای جنایات عمدی، تمامی کیفیات مؤثر در تعیین مجازات‌های تعزیری قابل‌اعمال خواهد بود؛ بنابراین در مواردی که جنایت عمدی قابل انتساب به شخص حقوقی باشد، با توجه به غیرقابل اجرا بودن قصاص بر شخص حقوقی، می‌توان با وحدت ملاک از مواد ۶۱۲ و ۶۱۴، شخص حقوقی را به تعزیر محکوم کرد. طبیعی است با توجه به غیرقابل تحمیل بودن مجازات حبس بر شخص حقوقی، تعزیر قابل‌اعمال بر شخص حقوقی، از تعزیرات مندرج در ماده ۲۰ است. بدیهی است با توجه به تعزیری بودن مجازات معاونت، شخص حقوقی می‌تواند به جرم معاونت در جنایات عمدی هم محکوم شود.

بنابراین جرایم تعزیری و قتل و صدمات بدنی عمدی و غیرعمدی جرایمی هستند که می‌توان اشخاص حقوقی را به ارتکاب آن‌ها محکوم نمود. بدیهی است در محدوده جرایم تعزیری هم باید به ماهیت اشخاص حقوقی توجه کرد، چه‌بسا بعضی جرایم به علت ماهیت فردمدارانه‌شان با ماهیت اشخاص حقوقی سازگار نبوده و قابل انتساب به آن‌ها نباشند. مثل جرایم ضد حقوق و تکالیف خانوادگی مذکور در فصل نوزدهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که ماهیتی فردمدارانه دارند.

#### ۵- وظایف جزایی افراد سیاسی و حقوقی از منظر اسلام

حریم خصوصی و مباحث نظری در ارتباط مستقیم با مسأله حکومت می‌باشد چراکه از طرفی برای اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی گسترش حیطه و دایره حریم خصوصی به دلایل گوناگون مطلوب بوده و از طرف دیگر معمولاً حکومت‌ها نیز به دنبال اهداف عمدتاً سیاسی و امنیتی خود، در پی کوچک‌سازی مرزهای حریم خصوصی اشخاص و دست‌یافتن به مجوزهایی برای ورود و نقض این حق مسلم بشری بوده‌اند. تحقیق پیش‌رو، در صدد پاسخگویی به این پرسش اصلی می‌باشد که مبانی حریم خصوصی چیست و استثنائات وارد بر آن با توجه به آیات و روایات چه می‌باشد. در این راستا قدم اول در وصول به هدف آن است که از زاویه دید حقوق عمومی، مبانی احترام حریم خصوصی در حمایت از افراد و نیز استثنائات وارد بر آن در حمایت از حکومت به نمایندگی جامعه، مشخص و معلوم گردد؛ لذا منابع اسلامی به عنوان زیربنای اصلی نظام حقوقی ایران مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس آن، مبانی حمایت از حریم خصوصی را می‌توان این‌گونه در پنج اصل احصاء کرد: پاسداشت کرامت انسانی؛ احترام به حریم و حرمت مؤمن؛ حرمت اذیت و آزار دیگران خصوصاً مومنین؛ امانت‌داری و رازداری؛ منع اشاعه فحشاء در جامعه و حفظ سلامت اخلاقی. به این ترتیب حقوق مردم از بعد فردی در جامعه مورد تأکید اسلام واقع شده است ولی از آن سو، حقوق جامعه در نگاه کلان که حکومت نماینده آن می‌باشد، نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در یک جمع بندی کلی، استثنائات وارد بر حریم خصوصی از نگاه آیات و روایات به این موارد منتهی می‌شود: «کارگزاران حکومتی؛ دشمنان خارجی؛ منافقین و معاندین داخلی؛ کودک و نوجوان از جانب اولیاء خود؛ فرد فاسق؛ حاکم ظالم؛ مخلان امنیت و بدعت‌گذاران». در

ادامه جایگاه حریم خصوصی در حقوق ایران مورد بررسی قرار گرفت و اصول قانون اساسی و سند چشم انداز که منجر به تصویب طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات گردید، مورد بررسی قرار گرفت. در طرح جامع ارتباطات و فناوری اطلاعات نیز اگرچه در مبنای تحدید حریم خصوصی تطابق هایی با مبانی اسلامی به چشم می خورد ولی در لابلای مباحث دیگر پنهان و به نادرستی هایی آمیخته شده است. نیاز به بررسی دارد. در این شماره تلاش خواهد شد تمامی این موارد ذیل سه شماره، مورد بررسی قرار گیرد. دو حالت دیگری که به انحلال شرکت شبیه است، حالت های ادغام و تبدیل شرکت است. ادغام دو یا چند شرکت وقتی حاصل می شود که یک شرکت، شرکت دیگری را در خود حل می کند یا دو یا چند شرکت در هم حل شده و شرکت جدیدی از آن ها به وجود می آید. منظور از تبدیل شرکت نیز این است که بدون محو شخصیت حقوقی قبلی و ایجاد شخصیت حقوقی جدید برای آن، شرکت شکل و قالبی نو پیدا کند؛ به عنوان مثال شرکت سهامی خاص با حفظ شخصیت حقوقی خود به شرکت سهامی عام تبدیل شود یا شرکت تضامنی به شرکت سهامی عام یا خاص تبدیل گردد. حال قابل تصور است که در شرکت، پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی ادغام یا تبدیل رخ دهد، آیا مسئولیت کیفری همچنان پابرجاست؟ در مورد ادغام باید گفت که در قوانین ایران مقررات منظمی در مورد نظام حقوقی حاکم بر ادغام شرکت ها وجود ندارد، لکن با توجه به این که در نتیجه ادغام، شرکت های سابق امحاء و شرکت جدیدی ایجاد خواهد شد، عدم مسئولیت کیفری شرکت جدید در برابر رفتار مجرمانه هر یک از شرکت ها پیش از ادغام موجه می نماید. البته این امر می تواند مغری برای شرکت ها از مسئولیت کیفری باشد؛ بدین نحو که مؤسسين شرکت پس از ارتکاب جرم برای گریز از مسئولیت، دست به ادغام شرکت با شرکتی دیگر بزنند؛ اما لازم است برای جلوگیری از این امر، تدبیری توسط قانون گذار اندیشیده شود (البته طبیعی است در مورد سایر اشخاص حقوقی هم ادغام قابل تصور است).

در مورد تبدیل شرکت ها، با توجه به آن که حقوقدانان به عدم تغییر تعهدات شرکت پس از تبدیل ابراز عقیده نموده اند، موجه است که تبدیل شرکت مانعی برای مسئولیت کیفری شناخته نشود.

ماده ۱۴۳ مسئولیت کیفری را به شکل عام و برای تمامی اشخاص حقوقی در نظر گرفته است و در واقع پیرو اصل برابری اشخاص در برابر قانون، همه اشخاص را از لحاظ کیفری در مقابل قانون مسئول می داند. لکن طبع و کارکرد بعضی اشخاص حقوقی حقوق عمومی، تصور مجازات شدن آن ها را سخت می گرداند؛ به همین دلیل تبصره ماده ۲۰، مجازات های مذکور در این ماده را در بعضی موارد، قابل اعمال بر برخی از این اشخاص ندانسته است. برخی از اشخاص حقوقی حقوق عمومی هم هستند که اگرچه از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستثنا نشده اند، لکن به طور ضمنی می توان آن ها را از این قاعده مستثنا دانست. پس از بررسی مستثنیات صریح مذکور در تبصره ماده ۲۰، اشاره ای هم به مستثنای ضمنی این قاعده خواهیم داشت.

تبصره ماده ۲۰ بعضی از موارد را بدین نحو، صراحتاً از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستثنا کرده است: «مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می کنند، اعمال نمی شود».

برای فهم دقیق این تبصره لازم است دو نکته مذکور در آن روشن شود؛ اشخاص حقوقی مذکور در ماده و موارد اعمال حاکمیت.

در مورد اشخاص حقوقی مذکور در ماده باید گفت که دو دسته از اشخاص حقوقی حقوق عمومی در این ماده احصاء شده است:

دسته اول، اشخاص حقوقی دولتی است. منظور از آن مؤسسات دولتی و شرکت های دولتی مذکور در مواد ۲ و ۴ «قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶» و تمامی اشخاص دیگری است که بیش از ۵۰٪ سرمایه و سهام آن از طریق منابع دولتی تأمین می شود (و البته شخصیت حقوقی مستقل از دولت دارد) اعم از بانک های دولتی، دانشگاه های دولتی و ... است. باید توجه داشت که در این مورد، دولت در معنای عام خود (مجموعه حاکمیت سیاسی کشور) به کاررفته است.

دسته دوم، اشخاص عمومی غیردولتی است که تعریف آن (همان طور که در مبحث اول این فصل گفته شد) در ماده ۵ «قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶» و ماده ۳ «قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶» ذکر شده است و



مصادیق آن شوراها را اسلامی شهر و روستا و موارد دیگری که در «قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳» آمده، است.

نکته دوم، موارد اعمال حاکمیت است. اشخاص مذکور در ماده به‌طور کلی از مسئولیت کیفری معاف نیستند؛ بلکه تنها در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند از این امتیاز برخوردارند. منظور از اعمال حاکمیت، مواردی است که اشخاص حقوقی حقوق عمومی، اعمالی را انجام می‌دهند که در انجام آن‌ها، حاکم و قدرت مطلق می‌باشند و به‌وسیله آن‌ها به مردم فرمان می‌دهند و تحکم می‌کنند و این اعمال قابل تفویض نیستند. ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ امور حاکمیتی را تعریف نموده و مصادیق آن را بیان کرده است. لکن شوربختانه این ماده با وجود ذکر موارد متعدد، با آوردن عبارت «از قبیل»، مصادیق امور حاکمیتی را به‌صورت تمثیلی بیان کرده است؛ بنابراین مشخص نیست با وجود این مصادیق متعدد، چه امور دیگری ممکن است، حاکمیتی تلقی شود؟!.

در مقابل امور حاکمیتی، امور تصدی‌گری قرار دارند. امور تصدی‌گری، اموری هستند که اشخاص حقوقی حقوق عمومی به‌مانند اشخاص حقوقی خصوصی و اشخاص حقیقی انجام آن را به عهده دارند، در انجام آن‌ها اعمال قدرت و تحکم نمی‌کنند، منافع آن لزوماً به همه جامعه نمی‌رسد و قابل تفویض به اشخاص حقوقی خصوصی و اشخاص حقیقی می‌باشند؛ مانند امور صنعتی، کشاورزی، حمل‌ونقل بازرگانی، مسکن و ... . قوانین معمولاً دولت و نهادهای دولتی را تا جایی که امکان دارد از امور تصدی‌گری منع کرده و تشویق به واگذاری این امور به بخش خصوصی می‌نمایند (ر.ک به ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶).

پس از مشخص شدن مفهوم و مصادیق اشخاص مذکور در تبصره ماده ۲۰ و موارد اعمال حاکمیت که در ماده آمده، می‌توان اذعان داشت، در مواردی که اشخاص حقوقی دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی امور حاکمیتی انجام می‌دهند از مسئولیت کیفری معاف می‌باشند و تنها در مواردی که در زمینه امور تصدی‌گری مشغول به فعالیت باشند، مشمول قاعده کلی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خواهند بود.

در قانون جزای فرانسه، معافیتی مشابه معافیت مذکور در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی، برای مؤسسات عمومی در نظر گرفته شده است. ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای این کشور مقرر می‌دارد، مؤسسات عمومی که عهده‌دار انجام خدمات عمومی غیرقابل واگذاری نمایندگی به غیر هستند، از قلمرو مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستثنا می‌باشند (فرج‌اللهی ۱۳۸۸: ۳-۱۳۱ و کوشا و شاملو ۱۳۷۶).

در حقوق انگلستان هم به‌عنوان مثال در قانون قتل غیر عمد و آدم‌کشی شرکت‌ها مصوب ۲۰۰۷ مراجع دولتی و عمومی نسبت به اقدامات و تصمیماتی که مرتبط با سیاست اجتماعی یا وظایفی است که در انحصار دولت یا مرتبط با بازرسی‌های قانونی است، از وظیفه مراقبت مقرر در قانون مذکور و در نتیجه از مسئولیت کیفری معاف می‌باشند، مگر این‌که وظیفه‌ای باشد که به‌عنوان کارفرما نسبت به کارکنان خود یا به‌عنوان متصرف املاک و اعیان دارند.

در کنار استثنائات صریح مذکور در تبصره ماده ۲۰، دولت (مجموعه حاکمیت سیاسی کشور) را هم می‌توان از جمله اشخاصی دانست که به‌طور ضمنی از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی خارج است. تصور این موضوع سخت است، دولت که خود، انحصار حق مجازات کردن را دارد، خویش را مجازات کند. اصل حاکمیت و قدرت عمومی دولت، مانع از این امر است (برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک رفیع‌زاده ۱۳۹۲: ۴۲-۳۹).

ماده ۲-۱۲۱ قانون جزای فرانسه هم (علاوه بر استثنایی که پیش‌ازین ذکر شد) به‌صراحت دولت را از قلمرو مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستثنا نموده است.

آخرین نکته در این گفتار آن‌که اشخاصی که اشاره شد به‌صورت صریح و ضمنی مستثنا شده‌اند، تنها از مجازات‌های تعزیری مذکور در ماده ۲۰ معاف می‌باشند و از لحاظ امکان محکومیت به دیه، همچنان تابع عموم تبصره ماده ۱۴ خواهند بود.

## نتیجه‌گیری

در قانون مجازات اسلامی، با تغییر نگرش قانون‌گذار به موجب پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، تدوین قانون آیین دادرسی ویژه متناسب با وضعیت این دسته از اشخاص، ضروری می‌شود. از این روی شیوه تعقیب، دادرسی و اجرای مجازات اشخاص حقوقی، باید با وضع قوانین کیفری خاص -به ویژه آیین دادرسی متمایز از اشخاص حقیقی- قبول و مسجل گردد. به همین جهت، قانون‌گذار در قانون آیین دادرسی کیفری جدید برای اشخاص حقوقی، آیین دادرسی ویژه‌ای را پیش بینی نمود. نوشتار حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی، به بررسی و تحلیل شیوه‌های تعقیب، دادرسی و اجرای مجازات اشخاص حقوقی در قانون آیین دادرسی کیفری جدید می‌پردازد. بررسی مواد مرتبط نشان می‌دهد که این قانون با وجود ارائه برخی نوآوری‌ها، به هیچ روی تناسبی با وضعیت خاص اشخاص حقوقی ندارد و قانون آیین دادرسی کیفری، صرفاً به دادرسی و شیوه‌های اجرای مجازات اشخاص حقیقی نظر داشته است. پاسخ به پدیده جنایی، محدود به واکنش‌های کیفری نیست، بلکه به منظور کنترل جرم، ضرورت دارد تا با اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم و شکل‌گیری عوامل مجرمانه جلوگیری کنیم. امروزه برخورد با پدیده‌های اجتماعی از جمله مشکلات و معضلات رانندگی نیاز به بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطی و ایجاد فرایند فرهنگ‌سازی در میان جوامع بشری دارد. فرهنگ‌سازی از ابزارهای سیاست جنایی است که می‌تواند دستاوردهای مهمی را در برخورد با این پدیده‌ها داشته باشد. برخورد با پدیده اجتماعی باید از مبنا و اصول علمی بهره بگیرد. جوامع بشری بخصوص کشورهای در حال توسعه، در پدیده‌هایی همچون جرایم (تخلفات) راهنمایی و رانندگی، اصلاح الگوی رفتار شهروندان را در دستور کار خود قرار می‌دهند و برای تحقق این امر از ابزارهای نوین و فناوری برتر استفاده میکنند. البته برخی از کشورها نیز از ابزار سیاست کیفری به صورت تخفیف یا تشدید بهره می‌برند اما اکثر جوامع راهکارهای علمی و ایجاد تغییر در رفتار را مدنظر قرار داده‌اند بدلیل اینکه مبارزه قهری با پدیده جنایی پایدار نیست و در درازمدت نتایج مثبتی نخواهد داشت. لذا باید بر همین اساس از سایر توانمندی‌های جامعه مدنی مدد گرفته شود. قانون‌گذار ایران در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی، با قراردادن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی بر اساس نظریه مغز متفکر، این نهاد را به صورت مضیق پذیرفته است. قانون‌گذار در پذیرش این نهاد و در تنظیم ماده ۱۴۳ تحت تأثیر قانون جزای فرانسه بوده است. البته پذیرش نظریه مغز متفکر تنها در مورد مجازات‌های تعزیری است؛ لکن در مورد دیه، قانون‌گذار موسع عمل کرده و به نوعی نظریه دیگر یعنی نظریه مسئولیت مافوق یا مسئولیت کارفرما را لحاظ کرده است. به نظر می‌رسد در مجموع رویه قانون‌گذار در این زمینه قابل دفاع باشد. با توجه به این که تا به حال نهاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی نبوده است، در زمینه مجازات‌های تعزیری با احتیاط عمل شده و آنجا که پای دیه و خسارت در میان است، دست قاضی را برای صدور حکم به محکومیت شخص حقوقی باز گذاشته است. آنچه قابل ایراد است، آن که قانون مجازات اسلامی در مواد مربوطه در این زمینه ابهامات و اجمالاتی دارد که عمل به آن را سخت می‌کند. لذا انتظار می‌رود در جهت رفع این نواقص اقداماتی انجام شود.

از جهتی دیگر نیز قانون‌گذار با مستثنا کردن دولت، اشخاص حقوقی دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، دایره این نهاد را محدود نموده است. این استثنائات نیز در حقوق جزای کشورهای مختلف معمول بوده و عموماً به دلایل زیر انجام میشود:

اول، اقتدار و حاکمیت اشخاص حقوقی عمومی در زمان انجام اعمال حاکمیتی. مجازات کردن دولت و دیگر اشخاص حقوقی حقوق عمومی موجب تحقیر حاکمیت و کاهش قدرت سیاسی کشور می‌شود.

دوم، جلوگیری از زیان دیدن جامعه و افراد بی‌گناه. اشخاص حقوقی حقوق عمومی خدمات عمومی ارائه می‌دهند، مجازات این اشخاص موجب خلل در انجام وظیفه‌شان شده و زیان مضاعفی به زیان‌دیدگان از جرم وارد می‌کند

## منابع و مراجع

- [۱] اسکینی، ربیعا، (۱۳۸۹). حقوق تجارت: اسناد تجاری، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- [۲] صفار، محمدجواد. (۱۳۷۳). شخصیت حقوقی، چاپ اول، تهران، نشر دانا.
- [۳] امامی، محمد و استوار سنگری، کورش. ۱۳۹۰، حقوق اداری، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران، نشر میزان.
- [۴] رفیع زاده، علی، (۱۳۹۲). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مرداد ۱۳۹۲.
- [۵] روح‌الامینی، محمود. (۱۳۹۱)، دگرگونی‌های مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه». مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۶.
- [۶] ستوده تهرانی، حسن، (۱۳۸۲)، حقوق تجارت، جلد ۱، تهران، نشر دادگستر.
- [۷] عبداللهی، اسماعیل. (۱۳۸۹)، درس‌هایی از فلسفه کیفری: درآمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی .
- [۸] کلارکسون، سی ام وی. (۱۳۹۰) تحلیل مبانی حقوق جزای عمومی، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- [۹] کوشا، جعفر و شاملو، باقر. (۱۳۷۶). «نوآوری‌های قانون جزای جدید فرانسه». مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۰.
- [۱۰] گودرزی بروجردی، محمدرضا و مقدادی، لیللا. (۱۳۸۶)، قانون مجازات فرانسه، چاپ اول، قم، انتشارات سلسبیل.
- [۱۱] فرج‌اللهی، رضا. (۱۳۸۸). مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، چاپ اول، نشر میزان، تهران.
- [۱۲] قنواتی خلف‌آبادی، خلیل. (۱۳۸۰). نظریه کلی نمایندگی در حقوق ایران و انگلیس، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.
- [۱۳] یوسفیان شوره‌دلی، بهنام. (۱۳۹۰) مسئولیت اشخاص حقوقی در جرایم اقتصادی یا سازمان‌یافته: رویکردهای نوین ملی و بین‌المللی». مجله تحقیقات حقوقی: یادنامه شادروان دکتر رضا نوربها، شماره ۵۶.
- [14] Beale, Sara Sun: "A Response to the Critiques of Corporate Criminal Liability" (September 6, 2009), American Criminal Law Review, Forthcoming, 16-19: Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1470683>.
- [15] Beale, Sara Sun & Safwat, Adam, "What Developments in Western Europe tell us about American critiques criminal liability?" Buffalo Criminal Law Rev. Vol. 8, 2005.
- [16] Jefferson, Michael, Criminal law, 5<sup>th</sup> ed, London, Longman Pearson Education Limited, 2001.
- [17] Moore, Michael, The Moral and Metaphysical Sources of the Criminal Law, in Pennock and Chapman, 11, 1985.
- [18] Tarelli, Elis, "A Brief Introduction to the Principles and Rules for Determining Corporate Criminal Liability" (September 10, 2004), 3-5, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1467817>.
- [19] Wells, Celia, Corporations and Criminal Responsibility, 2<sup>nd</sup>, Oxford, Oxford University Press, 2001.